

تاریخ تحویل: ۸۵/۸/۳۰

تاریخ تأیید: ۸۶/۴/۲۴

عیسی مسیح به روایت قرآن

خلیل حقیقی*

مقدمه

اگر چه دین مسیحی^۱ نزدیکترین حلقه اتصال ادیان ابراهیمی به دین اسلام است، اما این دین، چه در دوران تاریخی خود و چه بعد از ظهور دین اسلام، حوادث پرفراز و نشیبی را تجربه کرده است که می‌توان تا حدودی روند این حوادث را به سر منشاء و پیامبر آن مربوط دانست. هر چند در این جا، سعی در نگاه اجمالی به هویت و شخصیت عیسی مسیح^۲ (ع) از نظر قرآن شده است، ناگزیریم پیش از ورود به بحث مسیحیت از دین یهود، که از سوی قوم

چکیده: ادیان ابراهیمی که مسیحیت یکی از آنها است، دوره‌های پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. قوم بنی اسرائیل، پیروان این دین، با تمام ویژگی‌ها، خرافات، عقاید، حوادث زیادی را برای مریم (ع) و فرزندش عیسی مسیح به وجود آورد. تشکیک در وجود هر دو، اذیت و آزار آنها از سوی بنی اسرائیل که باعث ابهام و تاریکی زیادی شده است در آیات قرآن کریم به صراحت توضیح داده شده است و بعد از شش قرن به روشنی و شیوایی چهره زیبایی از مریم (ع) و فرزندش فراروی بشریت قرار داده که علی‌رغم این روشنی، متأسفانه دین کلیسا دچار انحراف و ضعف از بیان شخصیت مریم (ع) و عیسی مسیح (ع) است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز فیروزآباد.

نشانی اینترنتی: Kalili.haghigh@yahoo.com

1. Christianity
2. Jesus Christ

کلیدواژه: عیسی مسیح، دین مسیحیت، قوم بنی اسرائیل، مریم عذرا، انجیل، تورات

و غیره کرده‌است، چگونه می‌توان از آن انتظار اصلاح و کنترل پیروانش را داشت؟ پیروانی که بعد از مهاجرت به منطقه شطیم دست به زناکاری با دختران آن زده به پرستش خدایان بعل فغور میل کرده موجب خشم خدا شدند. (اعداد، باب ۲۵، ص ۱۵۷). این گستردگی فساد، سخت‌دلی و پیمان شکنی از سوی بنی اسرائیل* در قرآن نیز به چشم می‌خورد و آمده است «و لقد اتینا موسی الکتب و قفینا من بعده بالرسل و اتینا عیسی ابن مریم البینت و ایدنه بروح القدس افکلما جائکم رسول بما لا تهوی انفسکم استکبرتم ففریقا کذبتم و فریقا تقتلون» یعنی به موسی کتاب آسمانی دادیم و از پی او پیامبران فرستادیم؛ و معجزات آشکاری به عیسی بن مریم بخشیدیم و او را به روح القدس یاری دادیم؛ پس چرا هرگاه که پیامبری احکامی برخلاف دلخواه شما برایتان آورد سرکشی کردید و گروهی را دروغگو انگاشتید و گروهی را کشتید؟» (قرآن، ۸۷/۲).

همچنین در آیه دیگر آمده است: «و لقد جاءکم موسی بالبینت ثم اتخذتم العجل من بعد و انتم ظلمون» یعنی: «و موسی آن معجزات روشن را برای شما آورد پس در غیاب او شما بیدادگرانه گوساله پرستی کردید» (قرآن، ۹۲/۲) یا، «اوکلما عهدوا عهداً نَبَذَهُ فَرِیقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُ هُمْ لَا یُؤْمِنُونَ.» یعنی: «چرا هر گاه پیمانی بستند گروهی از آنان آن را شکستند، آری بیشتر آنان ایمان ندارند» (قرآن، ۱۰۰/۲). همچنین، «فبظلم من الذین هادوا حرماً علیهم طیبیت احلت لهم و بصدھم عن سبیل الله کثیراً»

بنی اسرائیل پذیرفته شده بود این توضیح را بدهیم که، نگاه به دین یهود، تنها از منظر متون مقدس عهد عتیق است که در آن، هم دینداری و دینداران و هم، گونه‌های تحریف شده از متون مقدس یهود، قابل بررسی است. البته در کنار آن در متون مقدسی دیگر، مانند قرآن کریم، به بعضی از واقعیت‌های تاریخی دربارهٔ اوضاع قوم یهود اشاره می‌شود که در پی آن، می‌تواند به شناخت قوم یهود کمک بکند.

روحیات و عادات قوم یهود در تورات و قرآن

در متون مقدس عهد عتیق، بخشی با نام «حَبِیوق» است که تنها به شرح جنایت، پلیدی و گناهکاری قوم یهود که در فاصلهٔ زمانی ۶۰۵-۵۸۶ ق.م اتفاق افتاده پرداخته‌است و در آن آمده است: «ای کسانی که بردیگران ظلم کرده‌اید وای بر شما! که از راه‌های نادرست ثروت اندوخته‌اید وای بر شما! که شهرها را با پولی که از آدم کشی و غارت به دست آورده‌اید ساخته‌اید.» (حَبِیوق باب ۲، ص ۸۶۸). همچنین در کتاب میکاه^۳، از قول خدای یهود آمده: «به سبب تمام گناهانتان شما را به نابودی خواهم کشاند» (میکاه باب ۷، ص ۸۶۲). کتاب عاموس، سرگرمی رهبران و بزرگان قوم بنی اسرائیل در اورشلیم و سامره را خوشگذرانی و عیاشی می‌داند. (عاموس باب ۶، ص ۸۴۹) و «صَفینا» در ظلمی که شهر اورشلیم در حق سایر مردمان به خرج داده، آورده‌است:

«وای بر اورشلیم نجس و گناهکار، شهر ظلم و جنایت، شهری که به صدای خدا گوش نمی‌دهد، اصلاح پذیر نیست و به خدا نزدیک نمی‌شود. (صَفینا باب ۳، ص ۸۷۱). «متی»^۴، یکی از متون بسیار مهم دیگر، به پیامبرکشی بنی اسرائیل اقرار دارد. (متی، باب ۲۴، ص ۹۲۴). خدایی که در متون مقدس یهود، از موسی (ع)^۵ درخواست طلا، هدایا، انواع مفرغ

3. Micah

4. Metta

5. Moses

* مطالبی که در پی خواهد آمد تنها تاریخ نیست بلکه روایت قرآن کریم از عیسی مسیح، است.

6. Golden calf

آلوده‌ای از مریم (ع) متولد شد و به راهنمایی و ارشاد مردم پرداخت.

مریم (ع) کیست؟

مریم، یکی از برترین زنان جهان در مذاهب الهی معروف است. دارای نقش و زندگی تاریخی پر حادثه‌ای است که روایت و داستان‌های زیادی در مورد وی گفته شده است. آیا برحسب ادعای یهود و گروه‌های سنتی مسیحیت، او جزو اقانیم^۷ سه‌گانه است؟ دیدگاه قرآن درباره زندگی مریم (ع) برخلاف گفته‌های متناقض تورات و حتی انجیل است. از نظر قرآن، همسر عمران^۸ گفت: «اذا قالت امراءت عمران رب انى نذرت لك ما فى بطنى محرراً فتقبل منى انى سمیع علیم» یعنی: «...پروردگارا من آنچه را در شکم دارم، نذر کردم که آزاد از هر قید و بند در خدمت تو باشد از من بپذیر که تو شنوای دانایی.» (قرآن، ۳/ ۳۵) «وَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَب انى وضعتها اثنى و الله اعلم بما وضعت و ليس الذكر كالانثى و انى سميتها مریم و انى اعيدتها بك و ذريتها من الشيطان الرجيم» یعنی: «و چون فرزندش را بزاد گفت پروردگارا من دختر زاده‌ام - و خدا بهتر می‌داند که او چه زاده بود- و پسر مانند دختر نیست و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندش را از شر شیطان مطرود به پناه تو می‌آورم» (قرآن، ۳۶/۳). با توجه به این‌که تولد مریم (ع) از دید قرآن، یک حادثه الهی و برای پرورش پسری است که خود سرمنشاء تحولات می‌گردد، اما این شخص پاکدامن تحت تربیت و سرپرستی و کمک‌های خدا قرار

یعنی: «آری به سبب ظلم... یهودیان و به سبب بازداشتن‌شان بسیاری... را از راه خدا، چیزهای پاکیزه را که بر آنان حلال بود بر آنان حرام کردیم» (قرآن، ۴/ ۱۶۰). در چهره دیگر از قوم بنی‌اسرائیل آمده است: «ان الذین كفروا و ماتوا و هم كفار اولئك علیهم لعنه الله و الملائكة و الناس اجمعین» یعنی: «کسانی که کفر ورزیده‌اند و در کفر مرده‌اند لعنت خداوند و فرشتگان و مردم جملگی بر آنان است» (قرآن، ۲/ ۱۶۱). هر چند در این جا سعی شده است که از راه مقایسه به موارد دقیقی از روحيات قوم بنی‌اسرائیل که هم مورد تأیید متون مقدس خودشان و هم قرآن است دست پیدا کنیم، اما یکی دیگر از اهداف عمده این مقایسه نشان دادن وضعیت اجتماعی، اخلاقی، مذهبی چه در دوران قبل و چه در دوران ظهور عیسی (ع) است تا بهتر بتوان از تهمت‌ها و تحریف‌هایی که پیروان یهود در حق عیسی (ع) ساخته‌اند، آگاه شد و تأثیر آن اقدامات البته در تحریف آینده متون مقدس نیز قابل ملاحظه است. با توجه به آیات قرآن و قسمت‌های متعدد متون مقدس یهود، می‌توان به این ویژگی‌های اخلاقی و روحی در مورد قوم یهود دست یافت:

۱. پیمان شکنی.
۲. فساد در رهبران و دینداران.
۳. بازگشت از دین اصیل موسی (ع).
۴. رباخواری.
۵. تحریف دستورات و تغییر آنها.
۶. زناکاری.
۷. گوساله پرستی.
۸. قتل انبیاء.

که همه از صفات ناپسند و از خصالت‌های قومی بنی‌اسرائیل بود و عیسی مسیح در این چنین محیط

7. Hypostasis

8. Imran

نموده و با دلی کفر آلود مهر گوساله در دلشان سرشته شد» و آمده است که «و اذا اخذنا ميثقكم و رفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتينكم بقوه و اسمعوا قالوا سمعنا و عصينا و اشرىوا فى قلوبهم العجل بكفرهم قل بئسما يا مكرم به ايمنكم ان كنتم مؤمنين»^۹ یعنی: «... بگو اگر مومن باشید چه بد است آنچه ایمان شما به آن فرمان می‌دهد.» (قرآن، ۹۳/۲) اما باز راه فساد در پیش گرفتند ولی در این زمان دو حادثه مهم به وقوع پیوست: اول این که برحسب درخواست زکریا^{۱۱} از خدا، وی دعا نموده و «و لقد ارسلنا رسلا من قبلك و جعلنا لهم أزواجاً و ذریهً و ما كان لرسول ان یاتی بأیه الا باذن الله لكل اجل کتاب»^{۱۰} یعنی: «و پیش از تو پیامبرانی فرستاده‌ایم همسران و فرزندان به آنان بخشیده‌ایم و هیچ پیامبری را نرسد که معجزه‌ای جز به اذن الهی بیاورد، هر اجلی... معین است» (قرآن، ۳۸/۱۳). او در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود «فنادته الملائکه و هو قائم یصلی فی المحراب ان الله یشرک بیحیی*^{۱۱} مصدقا بکلمه من الله و سیدا و حصوراً و نبیاً من الصالحین»^{۱۲} یعنی: «... فرشتگان ندایش دادند که خداوند تو را (بسه فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که گواهی‌دهنده برحقانیت کلمه الله (عیسی بن مریم) و مهتر و خویش‌تندار ... و پیامبری از شایستگان است» (قرآن، ۳۹/۳). علی‌رغم پیری زکریا در گفت و شنود وی با خدا مبنی بر این که «قال رب انی یکون لی غلم و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقراً قال کذلک الله یفعل ما یشاء»^{۱۳}

می‌گیرد و در مورد مریم (ع) آمده است که: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَ انبَتَهَا نَبَاتاً حَسِناً وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقاً قَالَ يَمْرُؤُا نَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^{۱۴} یعنی: «آنگاه پروردگارش او را هر چه نیک‌تر پذیرفت و به نیکی پرورش داد. زکریا را به سرپرستی او برگماشت، هرگاه که زکریا در آن غرفه بر او وارد می‌شد، می‌دید که نزد او رزق و روزی است و می‌گفت ای مریم اینها از کجا برایت آمده است؟ مریم^۹... می‌گفت آن از نزد خداوند است؛ خدا هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می‌بخشد.» (قرآن، ۳۷/۳) مریم (ع) با این اوصاف از بدو وجود تا زمانی که سرپرستی عیسی مسیح (ع) را برعهده گرفت، تحت توجهات خداوند بود، اما علی‌رغم آن که مردم روزگار او از زمان مرگ یعقوب^{۱۰} (ع) به او قول دادند «أم كنتم شهداء إذ حضر يعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدي قالوا نعبد الهك و اله أباؤك إبراهيم و اسمعيل و اسحق الهأ واحدأ و نحن لهُ مسلمون»^{۱۱} یعنی: «که مگر شما شاهد بودید که چون مرگ یعقوب فرا رسید به پسرانش گفت پس از... من چه می‌پرستید و گفتند خدای ترا و خدای نیاکانت ابراهیم، اسماعیل، اسحاق را که خدای یگانه است را می‌پرستیم و ما فرمانبردار او هستیم.» (قرآن، ۱۳۳/۲). اما مردم راه فساد و پیمان‌شکنی را پیشه خود کردند و به همین علت مشیت خدا به حمایت مریم (ع) و انتخاب پیامبرانی مانند عیسی (ع) و دیگران برای رسالت آنها انجامید، اما جامعه بنی اسرائیل برخلاف آنچه قرآن تصریح نموده است که «با خدا پیمان بسته بودند و کوه طور (شاید به عنوان شاهد) نیز برفراز آنها برافراشته شده بود و در پاسخ درخواست‌های خدا گفتند شنیدیم، اما سرپیچی

9. Mary

10. Jacob

11. Zacharias

* در مورد همراهی یحیی با عیسی (ع) اقوال مختلفی است و گروهی او را تعمیم‌دهنده عیسی می‌دانند و گروهی منکر آنند.

الله بيشرك بکلمه منه اسمهُ المسيح عیسی ابن مریم و جیهاً فی الدنیا و الآخره و من المقربین» یعنی: «چنین بود که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه خویش که نامش عیسی مسیح فرزند مریم است در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (الهی) است، بشارت می‌دهد» (قرآن، ۴۵/۳). اگر به محتوای آیات توجه گردد، از سرپرستی شخصی بعنوان شوهر در مورد مریم (ع) یاد نمی‌گردد و تنها زکریا به عنوان بزرگ‌تر و سرپرست مریم (ع) شناخته شده‌است و مریم (ع) دارای شوهر چه به عنوان شوهر دائمی و چه موقت نبوده‌است*، و این ارتباط تنگاتنگ فقط میان دو شخص، مریم (ع) و خدا وجود دارد و پای شخص سومی در میان نیست. مریم (ع) منتخب هیچ شوهری نبود و او به جهت پاکیزه بودن تنها منتخب خدا شده‌است.

بعد از این انتخاب، مریم (ع) اعلام داشت « قالت ربّ اُنّی یکون لی ولد ولم یمسنی بشر قال کذلک الله یخلق ما یشاء اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون» یعنی: «...پروردگارا چگونه مرا فرزندی است که دست هیچ بشری به من نرسیده‌است؛ گفت خداوند بدینسان هر چه را بخواهد می‌آفریند چون اراده او به کاری تعلق گرفت، به آن می‌گوید موجود شو و بی‌درنگ موجود می‌شود.» (قرآن، ۴۷/۳) متن این آیه قرآن عدم هرگونه رابطه زناشویی میان مریم (ع) با هرکسی دیگری را تأیید می‌کند و تنها معجزه و انتخاب خدا را روشن می‌کند، اما علی‌رغم این طهارت و پاکیزگی که قرآن برای مریم (ع) قائل شده‌است در کتاب «متی» آمده‌است که مریم در عقد یوسف بود که قبل از ازدواج، بوسیله روح القدس آستن و یوسف پایبند اخلاق برای جلوگیری از

یعنی: « چگونه مرا پسری باشد در حالی که پیری‌ام بالا گرفته است و همسرم نازا است. گفت بدینسان خداوند هر چه را خواهد به انجام رساند.» (قرآن، ۴۰/۳).

(یحیی) شخصی دیگری که به نوعی در حوادث آینده به همراهی عیسی مسیح پرداخته و پدرش زکریا برحسب دستور خداوند « قال ربّ اجعل لی ایه قال ءایتک الّا تکلم الناس ثلثة ایام الّا رمزا و اذکر ربّک کثیرا و سبح بالعشی و الابکر» یعنی: « گفت پروردگارا برای من نشانه‌ای قرار ده، گفت نشانه تو این است که سه روز با مردم سخن نگوئی مگر به اشاره و پروردگارت را بسیار یاد کن و شامگاهان و بامدادان او را تسبیح گوی» (قرآن، ۴۱/۳). دومین حادثه انتخاب مریم (ع) بود از «و اذ قالت الملئکه یمریم انّ الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین» یعنی: « و یاد کن از آن که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاکیزه داشته و بر زنان جهانیان... برتری داده است» (قرآن، ۴۲/۳). با توجه به تصریح قرآن از انتخاب مریم (ع) به عنوان مادر عیسی (ع) با شرایط خاص که حتی سرپرست او (زکریا) منتخب خدا بود، در دستور مجدد بر مریم (ع) آمده‌است: « یمریم اقتتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراکعین» یعنی: «ای مریم پروردگارت را اطاعت کن و سجده بر و همراه نمازگزاران نماز بگزار» (قرآن، ۴۳/۳). « ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلّمهم ائهم یكفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون» یعنی: « این از اخبار غیب است که بر تو وحی می‌کنیم و تو آن‌گاه که قلم‌ها (ی قرعه)شان را انداختند که کدام یک مردم را سرپرستی کنند و هنگامی که ستیزه می‌کردند در نزد ایشان نبودی» (قرآن، ۴۴/۳). در این شرایط بحرانی فرشتگان گفتند «اذا قالت الملئکه یمریم انّ

** توضیح این که در قرآن وی بی شوهر است.

داد که آن را « ارمیای نبی^{۱۴} » پیش‌بینی کرده بود و آنان تا زمان مرگ هیرودیس در مصر باقی مانده و بعدها به ناصره^{۱۵} آمدند (متی، باب ۳، ص ۶). این مهاجرت یوسف، از کدام سرزمین صورت گرفت، و اصلاً اگر یوسف عزیز مصر همسر مریم (ع) باشد این چنین اخباری در متون معتبر گزارش نشده و مسیح (ع) خود در شهر ناصره^{*} به روایتی متولد گردیده است، و از لحاظ زمانی، دوران یوسف (ع) مربوط به قبل از موسی (ع) است نه در دوره زندگی عیسی بن مریم و داستان یوسف و زلیخا معروف‌تر است. بعد از انتخاب مریم (ع) و تصریح قرآن مبنی بر عدم وجود همسر برای وی علی‌رغم متون تحریف شده مسیحیت و یهود او به شدت نگران سرنوشت خود و آینده بود، قرآن آورده است « واذکر فی الکتب مریم اذ انتبذت من اهلها مکاناً شرقیاً » یعنی: «... از مریم یاد کن که آنگاه از خاندان خویش در گوشه‌ای شرقی کناره گرفت» (قرآن، ۱۶/۱۹). «فاتخذت من دونهم حجاباً فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً» یعنی: «و از آنان پنهان شد؛ آن‌گاه روح خویش (جبرئیل)^{۱۶} را به سوی او فرستادیم که به صورت انسانی معتدل به دیده او درآمد» (قرآن، ۱۷/۱۹).

* از متون دینی یهود و فصل‌های آغازین انجیل بر حسب اسامی اجداد پیامبران یهود همچنین جنبه تقدسی که برای شخص یوسف در نظر گرفته شده است، معلوم می‌شود که منظور از یوسف جدای از یوسف نجار است.

12. Old Testament.

13. Exodus.

14. Jere miah.

15. Nazareth.

16. Holy spirit (ghost).

آبروریزی از مریم جدا و به او الهام شد که فرزندی از وی دنیا خواهد آمد که نام او را عیسی خواهی گذاشت چون نجات دهنده مردم است (متی، باب ۱، ص ۳). در اینجا با وجود اختلاف در حرمت و عظمت مریم (ع) ما خود به خود به سوی پاکیزگی و طهارت او فرا خوانده می‌شویم. چون تصریح قرآن است و این یوسف^{*} از یعقوب، «یعقوب پسر متان» است و یوسف شوهر مریم و مریم مادر عیسی (متی، باب ۱، ص ۲ و ۶). اگر به این نکته بیشتر پرداخته شود موسی (ع) که بعد از دین یوسف به راهنمایی مردم پرداخته بود، بعد از یوسف از مصر خروج می‌کند و در عهد عتیق^{۱۲} قسمتی به عنوان خروج^{۱۳} (داستان مهاجرت از مصر) وجود دارد. این مسئله با زمان تاریخی زندگانی مریم مقدس هم‌خوانی ندارد و بزرگان یهود و مسیحی حتی در تحریف خود به ترتیب زمانی حوادث، دست اندازی کرده‌اند که به ظاهر حوادث ساخته شده دست خود نیز آسیب رسانده‌اند. حتی از نظر آنان ستاره‌شناسان مجوس در زمان هیرودیس ظهور پیامبری به نام عیسی (ع) را اعلام کردند و هیرودیس از ترس سرنگونی حکومت خود به دنبال یافتن این پسر برآمد (متی، باب ۲، ص ۴). مسلماً در زمان تولد همه شخصیت‌های بزرگ تاریخ و به خصوص مردان بزرگ دینی حوادثی به وقوع پیوسته که تنها در متون دینی از آن خبر داده می‌شود، اما در کتاب مقدس از واژه مجوس استفاده شده که این واژه اطلاق بر مردم زرتشتی مربوط به دوره ساسانیان که دست کم ششصد سال با زمان تولد عیسی (ع) تفاوت دارد مربوط می‌شود که به علت بی‌توجهی داستان سازان مسیحی مجدداً تقدم و تأخر حوادث آن رعایت زمانی نشده است، یا در جای دیگر آورده‌اند که یوسف، مریم و عیسی را از ترس قتل عام به مصر می‌برد و هیرودیس دستور به قتل عام

دار، آن‌گاه اگر انسانی را دیدی بگو برای خداوند رحمان روزه... گرفته‌ام و هرگز امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم» (قرآن، ۲۶/۱۹). پس او را برداشت و به نزد قومش آورد «فاتت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جننت شیئاً فریاً» یعنی: «...گفتند ای مریم کار شگرفی پیش آوردی» (قرآن، ۲۷/۱۹). «یاخت هرونَ ماکان ابوک امرأ سوء و ما کانت امک بغیاً» یعنی: «ای خواهر هارون نه پدرت مردی نابکار و نه مادرت پلیدکار بود» (قرآن، ۲۸/۱۹). آن‌گاه به او اشاره کرد. «فاشارت الیه قالوا کیف نکلم من کان فی المهد صبیئاً» یعنی: «...گفتند چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم» (قرآن، ۲۹/۱۹). (نوزاد به سخن درآمد) و «قال انی عبد الله اُتنتی الکتب و جعلنی نبیاً» یعنی: «...گفت من بنده خداوندم که به من کتاب آسمانی داده‌است و مرا پیامبر گردانیده‌است» (قرآن، ۳۰/۱۹). «وجعلنی مبارکاً این ما کنت و اوصنی بالصلاة و الزکوة مادمت حیاً» یعنی: «...و هر جا که باشم مبارک گردانیده و مرا مادام که زنده باشم به نماز و زکات سفارش فرموده‌است» (قرآن، ۳۱/۱۹). «و برأ بولدتی و لم یجعلنی جباراً شقیئاً» یعنی: «و نیز مرا در حق مادرم نیکوکار گردانده و مرا زورگوی سخت‌دل نگردانده‌است» (قرآن، ۳۲/۱۹). «و السَّلْم علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیاً» یعنی: «و بر من در روزی که زادم و در روزی که درگذردم و روزی که زنده برانگیخته شوم، درود باد» (قرآن، ۳۳/۱۹). «ذلک عیسی ابن مریم قول الحق الذی فیه یمترو» یعنی: «...این است عیسی بن مریم. این سخن راست است که آنان در آن شک و شبهه دارند» (قرآن، ۳۴/۱۹). «ما کان الله ان یتخذ من ولد سبحنه اذا قضی امرأنا ما یقول له کن فیکون» یعنی: «سزاوار نیست که خداوندی فرزندی برگیرد او منزله است آن‌گاه که کاری را مقرر فرماید فقط به آن می‌گوید

مریم گفت: «قالت انی اعودُ بالرحمن منک ان کنت تقیاً» یعنی: «...گفت من از تو اگر پرهیزکار باشی به خدای رحمان پناه می‌برم» (قرآن، ۱۸/۱۹). گفت: «قال انما انا رسول ربک لاهب لک علم زکیاً» یعنی: «من فقط فرستاده پروردگارت هستم تا به تو پسری پاکیزه بخشم» (قرآن، ۱۹/۱۹). «قالت انی یکون لی غلم و لم یمسنی بشر و لم اک بغیاً» یعنی: «گفت چگونه مرا پسری باشد و حال آن که هیچ بشری به من دست نزده‌است و من پلیدکار نبوده‌ام» (قرآن، ۲۰/۱۹). «قال کذالک قال ربک هو علی هین و لنجعلهُ آیه للناس و رحمة منا و کان امرأ مقضیاً» یعنی: «گفت همین است پروردگارت فرموده آن کار بر من آسان است تا او را پدیده شگرفی برای مردم قرار دهیم و رحمتی از ما است و کاری انجام یافتنی است» (قرآن، ۲۱/۱۹). «فحملته فانتبذت به مکاناً قویاً» یعنی: «سپس (مریم) به او باردار شد و با او درجایی دور دست کناره گرفت» (قرآن، ۲۲/۱۹). آن‌گاه «فاء جاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یلینتی مت قبل هذا و کنت نسياً منسیاً» یعنی: «...درد زایمان او را به پناه تنه درخت خرمایی کشانید. گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و از یاد رفته بودم و فراموش شده بودم» (قرآن، ۲۳/۱۹). «فنادتها من تحتها الّا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریاً» یعنی: «از فرودست او را ندا داد که اندوهگین مباش پروردگارت از فرودست تو جویباری روان کرده‌است» (قرآن، ۲۴/۱۹).

چون درد زایمان بر مریم سخت گرفت، آمده- است: «و هزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطباً جنیاً» یعنی: «...تنه درخت خرما را به سوی خود تکان بده تا بر تو رطب تازه‌چیده فرو ریزد» (قرآن، ۲۵/۱۹). «فکلی و اشربی و قری عینا فاما ترین من البشر احداً فقولی انی نذرت للرحمن صوماً فلن اکلم الیوم انسیاً» یعنی: «پس بخور و بیاشام و دیده روشن

شناخته شده بود استفاده گردید. «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها و نفخنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمت ربها و کتبه و کانت من القتین» یعنی: «نیز مریم دختر عمران که ناموس خود را محفوظ داشت آن گاه از روح خویش در آن دمیدیم و سخنان و کتاب‌های پروردگارش را استوار گرفت و از فرمانبرداران بود» (قرآن؛ ۱۲/۶۶). و همچنین «و الّتی احصنت فرجها فَنَفَخْنَا فیها من روحنا و جعلناها و ابنها آیةً للعالمین» یعنی: «...آن زن که پاکدامنی ورزید و ما از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را پدیدۀ شگرفی برای جهانیان گردانیدیم» (قرآن، ۹۱/۲۱). به همین خاطر شاید شایسته و بسیار بجا بود که از شرّ شیطان مطرود که مادر مریم (ع) (حنه) به آن اشاره دارد. می بایست تنها و تنها مریم (ع) و فرزندش به خدا پناه جویند، اما به جهت آن که اصل روشنگری حقایق در قرآن وجود دارد خداوند با معجزات مکرر به معرفی عیسی بن مریم و توضیح وظیفه و رسالت ایشان مبادرت نموده و در کنار آن از وضع بد مردم و اجتماع، خرافات، تحریفات و فسادی که از سوی بزرگان در حق پیامبران و متون دینی آنها صورت گرفته بود پرده برداشته است. همانطوری که در شأن عیسی (ع) آمده: «انّ مثل عیسی عند الله کمثل ءادم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون» یعنی: «برای خداوند همچون شأن آدم است که او را از خاک آفرید پس به او گفت موجود شو بی درنگ موجود شد» (قرآن، ۳/۵۹). این آیه قرآن کریم آفرینش عیسی (ع) و آدم را برابر دانسته و هیچ اسمی از پدر بودن خداوند در حق عیسی (ع) نبرده است. همچنین بعد از توضیح آفرینش عیسی بن مریم به اذن خدا وی در طفولیت و گهواره که هیچ طفلی قادر به سخن گفتن نیست، شروع به سخن گفتن با مردم نمود. «و یکلم الناس فی المهد و کهلأو

موجود شو بی درنگ موجود می شود» (قرآن، ۳۵/۱۹).

اختلاف و مجادله در مورد مریم و عیسی (ع)

قوم زمان مریم (ع) در زمینه زندگانی و تولد عیسی و همچنین پاکیزگی مریم با یکدیگر دچار اختلاف شدند که همه این نکات قابل توجه است چه خداوند تصمیم به انتخاب عیسی بن مریم از مادری شایسته و پرهیزگار دارد؛ مادری که قرآن کریم در بسیاری از آیات خود از او به برتری و عصمت یاد می کند، اما علی‌رغم این عصمت و شایستگی باز از سوی بدخواهان متهم می شود. به طوری که به «و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً». یعنی: «و به سب کفرشان و سخنان که به مریم بهتان بزرگی زدند» (قرآن، ۱۵۶/۴). در ردّ این تهمت حتی از متون تحریف شده می توان کمک گرفت، زمانی که یوسف نامزد مریم (ع) از او به جهت وحی الهی جدا شد، یوسف حتی اگر به عنوان شوهر مریم نیز پذیرفته شود شخصیتی مقدس و پرهیزگار است، ولی جدای از این داستان‌های برساخته یهود و مسیحیان که تنها به دنبال تحریف و تغییر واقعیات بودند؛ از آیات قرآن می توان به این شواهد دست یافت:

۱. معجزه در تولد عیسی (ع).
۲. اقرار مریم (ع) بر عدم وجود شوهر در زندگی.
۳. اقرار عیسی (ع) مبنی بر بندگی خدا و نه فرزند خدا بودن که از آیات متعدد قرآن قابل استنباط است.
۴. رسم‌شکنی عیسی (ع) که یکی از صفات نیکوی ایشان احترام به مادرش است در صورتی که یکی از رسومات ناپسند یهود بی احترامی به والدین بود.
۵. علاوه بر آن، چرا با وجود آن شوهر خیالی (یوسف؟!) و بعدها نسبت پدر بودن خدا در حق عیسی (ع) مجدداً از حربه تهمت زنا در حق زنی همچون مریم (ع) که از خانواده بزرگ و شخصیتی

ب) انتخاب پیامبران متعدد دلیل بر نیاز مردم به راهنمایی و تذکرات مکرر وحی الهی بوده است.

ج) تحریف در متون عهد عتیق و جدید باعث گسستگی روند تاریخی حوادث گردیده و گاه فاصله زمانی حوادث تا صدها سال تغییر یافته است.

د) انتخاب مریم (ع)، تولد، دوران عبادت و سرانجام قبول بارداری او به عیسی (ع) امتحانی عظیم برای ایشان بود که علی‌رغم وجود متون مختلف حتی در صورت قبول همسر برای ایشان، قوم بنی‌اسرائیل از حربهٔ تهمت علیه وی استفاده کرد و عمداً به دنبال تخریب شخصیت وی بودند.

تولد عیسی (ع)

تولد عیسی (ع) از سوی مسیحیت با اعلام اقایم سه‌گانه و جایگاه پدری برای خداوند^{۱۷} در حق عیسی (ع) به عنوان پسر مطرح گردیده است، در صورتی که طبق آیات قرآن عیسی (ع) چه در معرفی توسط خداوند، به عنوان موجودی همسان آدم و چه در اقرارهای مکرر خودش شخصیتی زمینی و بندهٔ خدا معرفی شده است اما دست تحریف‌گران به دنبال شکستن حرمت خدا و زمینی کردن چهرهٔ او، از هویت و شخصیت عیسی (ع) استفاده کرده که موجب اختلافات شدید در ارکان فکری مسیحیت در آینده گردیده است.

در اینجا جدای از اعتقاد نویسندهٔ متن و وجود مذاهب الهی دیگر، نکتهٔ بسیار مهم و حساس این که خداوند به علت وجود دسایس قوم بنی‌اسرائیل، از دوران کودکی، بلوغ، عبادت، سرپرستی مریم (ع) تا ظهور شخصیت تاریخی عیسی^{۱۸} (ع) گزارشی ارائه نموده

من الصالحین» یعنی: «او در گهواره و در میانسالی با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است» (قرآن، ۳/۶۷). و چنین بود که خداوند «اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهنلاً و اذا علمتک الکتب و الحکمه و التوریه و الانجیل و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی و تُبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی و اذا کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینت فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین» یعنی: «...گفت ای عیسی بن مریم نعمتم را بر خود و بر مادرت به یاد آور که تو را به روح القدس یاری دادم که در گهواره و در میانسالی با مردم سخن گفتمی و یاد کن که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و یاد کن که به اذن من از گل چیزی به هیأت پرند می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و آن به اذن من پرند می‌شد و به اذن من نابینای مادرزاد و پیس را بهبود می‌بخشیدی و یاد کن که مردگان را به اذن من زنده و از گور بیرون می‌آوردی و یاد کن چون برای بنی‌اسرائیل معجزاتی آوردی آنان را از تو بازداشتیم آن‌گاه کفرپیشگان می‌گفتند این جز جادوی آشکار نیست» (قرآن، ۱۱۰/۵).

اگر بخواهیم به جمع بندی مطالب گذشته پردازیم می‌توان آنها را بدین صورت دسته بندی کرد:

الف) وضعیت قوم بنی‌اسرائیل، که با توجه به متون عهد عتیق و همچنین آیات صریح قرآن مردمی که مورد ارشاد و راهنمایی پیامبران الهی قرار گرفتند، تأثیر عظیمی در روحيات جاهلی آنان داده نشد و به مجرد غیبت پیامبری به همان دین قبلی خود برگشته و فساد و تباهی را گسترش می‌دادند.

17. Incarnation.

18. Isa (jesus).

دومین شخص از اقانیم ثلاثه (اب - ابن - روح القدس) یا پسر خدا اعلام داشتند) (قرآن، ۳/۹۳). بعد از مدتی از اینکه او را پسر خدا بخوانند گذشته و حتی گروهی عیسی بن مریم را خدا اعلام کردند و قرآن آورده است: «لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم و امه و من في الارض جميعاً و لله ملك السماوات و الارض و ما بينهما يخلق ما يشاء و الله على كل شيء قدير» یعنی: «به راستی کسانی که می گویند خدا همان مسیح بن مریم است کافر شده اند بگو اگر خداوند بخواد مسیح بن مریم و مادرش و اهل زمین همه را نابود کند چه کسی می تواند او را باز دارد و فرمانروای آسمان ها و زمین و آنچه مابین آنها است از آن خداوند است که هر چه بخواد می آفریند و خدا بر هر کاری توانا است» (قرآن، ۵/۱۷). در همین حال شروع به چند و چون در حق ابراهیم (ع) کردند. اما آمده است «یا اهل کتاب لم تحاجون فی ابراهیم و ما انزلت التوریه و الانجیل الا من بعده افلا تعقلون» یعنی: «...ای اهل کتاب چرا در حق ابراهیم محاجه می کنید حال آن که تورات و انجیل پس از او نازل شد. آیا اندیشه نمی کنید» (قرآن، ۳/۶۵). حمله تحریف کنندگان و مخالفان عیسی (ع) شدت گرفت به طوری که حتی در متون مقدس عتیق و جدید قسمت هایی وجود دارد که گروه مخالف برای از میان بردن جایگاه عظیم عیسی (ع) مسائلی را بر او روا داشتند. در ابتدای انجیل مرقس آمده است «انجیل عیسی مسیح فرزند خدا این چنین آغاز می شود» (مرقس، باب ۱، ص ۱۰۲). و همچنین در لوقا نوشته شده است «عیسی ادعای فرزندی خدا می کند و به همین خاطر محاکمه و اعدام می شود» (یوحنا، باب ۲۲، ص ۲۵۹). در یوحنا آمده است «عیسی فرزند یگانه خدا است» (لوقا،

تا دست تحریف گران نتواند به چهره مقدس ایشان آسیب وارد نماید؛ و اگر اختلافاتی در متون تحریف شده نیز مشاهده می گردد می بایست به دقت بررسی و با سایر متون مقایسه شود تا حقایق ژرف تاریخی از آن استنباط گردد و این گزارش نباید به موضوعات تحریف شده منجر شود با این دیدگاه باز برمی گردیم به سرگذشت پر فراز و نشیب عیسی (ع) که بعد از تولد به اذن خدا با ارائه معجزات به معرفی خود و دفاع از اصالت برای دعوت مردم پرداخته است، اما همان دشمنان که به تهمت در حق مریم (ع) پرداخته وی را نیز مورد حمله قرار دادند.

عیسی بن مریم پا به عرصه وجود گذاشت و قوم بنی اسرائیل با گذشته تاریک و مبهم خود و سختی هایی که به پیامبران قبل از وی و همچنین مریم (ع) دادند، به دنبال همان سیاست و اخلاق خود، شروع به اقدام علیه عیسی (ع) نمودند. قابل ذکر است که در ماجرای زندگانی عیسی (ع) به همه نوع مکر و حيله متوسل شدند به طوری که قرآن می فرماید «و مکروا و مکراً الله و الله خیر المکارین» یعنی: «مکر ورزیدند و خداوند هم مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکر انگیزان است» (قرآن، ۳/۵۴) «کل طعاماً حلالاً لبني اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التوره قل فاتوا بالتوره فاتلوها ان كنتم صدقین» یعنی: «همه خوردنی ها برای بنی اسرائیل حلال بود مگر آنچه اسرائیل پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود بگو اگر راست می گویند تورات را بیاورید و بخوانید». (هرچند بزرگان بنی اسرائیل در تحریف و تخریب واقعیات و ترور شخصیت چهره های معروف از طریق تهمت و بهانه جویی بسیار معروف بودند و همان طوری که گفته شد تهمت زنا در حق مریم (ع) بکار رفت و در خصوص فرزندش عیسی (ع) نیز وی را تجسم تجسد کلمه الله یا لاهوت در ناسوت و

که: «قل من كان عدواً لجبرئيل فانه نزله على قلبك باذن الله مصداقاً لما بين يديه و هدى و بشرى للمؤمنين» یعنی: «بگو هر کس دشمن جبرئیل باشد (بداند) که جبرئیل آن را به دستور الهی بر دل تو نازل کرده است و آن همخوان کتابهایی است که پیشاپیش آن است و راهنما و مژده بخش مومنان است» (قرآن، ۹۷/۲). می توان همین گروه نافرمان را به دوره عیسی (ع) نیز گسترش داد و مخالفت های آنان را بسیار قوی و البته مخالف دستورات خداوند دانست. قوم بنی اسرائیل که علی رغم سختی هایی که در طول تاریخ بر آن ها گذشته است «فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات احلت لهم و بصددهم عن سبيل الله كثيراً» یعنی: «شاید آری به سبب ظلم یهودیان^{۲۰} و به سبب بازداشتنشان بسیاری را از راه خدا چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود بر آنان حرام کردیم» (قرآن، ۱۶۰/۴). خود مستوجب آن همه سختی و رنج بوده اند پس متوجه می شویم که شیوه برخورد با پیامبر جدید علی رغم آن که وی اعلام نموده است «و مصداقاً لما بين يدي من التوره و لا حل لكم بعض الذي حرم عليكم و جئتكم بايه من ربكم فاتقوا الله واطيعون» یعنی: «...همچنین گواهی دهنده بر تورات هستم که پیش روی من است که بعضی از آنچه بر شما حرام بوده حلال کنم و معجزه ای از سوی پروردگارتان برای شما آورده ام پس از خداوند پروا و از من پیروی کنید» (قرآن، ۵۰/۳). اما این قوم که حاضر به قبول راهنمایی و ارشاد عیسی (ع) نبودند مجدداً بر مخالفت خود پافشاری نمودند. هر چند قرآن آورده است که «لن ليستنكف المسيح ان يكون عبد الله و لا الملائكة المقربون و من يستنكف عن

باب ۱، ص ۲۷۰). همان طوری که قبلاً نیز گفته شد شاید از جمله مشکلات تاریخی عهد مسیحیت در مقایسه با دین اسلام ابهامات و تاریکی هایی بود که از سوی بزرگان قوم این چنین باعث برداشت های متعدد از شخصیت تاریخی عیسی (ع) گردیده است که رد پای این ابهامات و اثرات گمراه کننده آن در همه سطوح و متون مذهب مسیحیت پراکنده شده است و سایر زمینه های دینی مسیحیت را تحت الشعاع خود درآورده است، اما قرآن کریم در دفاع از عیسی بن مریم و مادرش آورده است «ما المسيح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسله و امه صدیقه کانا یا کلان الطعام انظر کیف نبین لهم الایات ثم انظر انی یوفکون» یعنی: «عیسی بن مریم (ع) جز پیامبری نیست که پیش از او هم پیامبران آمده بودند و مادرش زن درستکاری بود و هر دو غذا می خوردند. بنگر که آیات خود را چگونه برای آن ها روشن می سازیم و باز بنگر چگونه رویگردان می شوند» (قرآن، ۷۵/۵). در آیه دیگری آمده است: به راستی کسانی که گفتند «لقد کفرالذین قالوا ان الله هو المسيح ابن مریم و قال المسيح یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی و ربکم انه من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و مأویه النار و ما للظلمین من انصار» یعنی: «خداوند همان عیسی بن مریم است کافر شدند حال آن که مسیح می گفت ای بنی اسرائیل خداوند را که پرودگار من و پرودگار شما است بپرستید که هر کس به خداوند شرک آورد خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و سرانجام او دوزخ^{۱۹} است و ستمکاران یآوری ندارند» (قرآن، ۷۲/۵). این مشکل سازی هایی که در اولین مرحله برای از میان بردن هویت عیسی (ع) بود بعد از مدتی هر چند ریشه های آن از میان نرفت به شکل دیگری مجدداً خودنمایی نمود، اما همان طور که قرآن در حق مخالفان پیامبر اسلام آورده است

19. Mire.

20. Jewish.

عبادت و لیستکبر فسیخنر هم الله جمیعا» یعنی: «هرگز مسیح و فرشتگان مقرب از بنده خدا بودن روی گردان نیستند و هر کس از بندگی روی گردان شود و ادعای برتری کند پس خدا به زودی همه را بسوی خود محشور سازد» (قرآن، ۱۷۲/۴). مسلماً زنجیره‌ای طولانی از اقدامات مخالفان عیسی (ع) که قبل از وی بر پیامبران پیشین و در زمان مریم (ع) در حق آن زن پاکدامن و سرانجام در دوره عیسی (ع) بر علیه پیامبر برگزیده خدا صورت گرفت به اشکال مختلف خودنمایی کرد:

۱. پسر خواندن عیسی (ع) برای خدا.
۲. خدا خواندن عیسی (ع) برای مردم.
۳. خدا خواندن مریم (ع).
۴. محاجه در حق ابراهیم (ع).
۵. شک و شبهه در وجود عیسی (ع).
۶. فشار در حرام کردن و یا حلال کردن دستوراتی که می‌بایست به همان شکل مذهبی‌اش مورد توجه قرار می‌گرفت.
۷. البته بعدها به تغییر شأن و منزلت مسیحیت و یهودیان مبادرت نموده خود را پسران خدا اعلام کردند، اما در کنار تمام این ادعاهای بی‌اساس آیات الهی قرآن به روشنگری پرداخته جای هیچ سوالی را باقی نگذاشته است. قرآن کریم در این بار آورده است «یا ایُّها الذین ءامنوا کلوا من طیبّت ما رزقنکم و اشکروا لله ان کنتم ایاءاً تعبدون» یعنی: «مسیح و فرشتگان مقرب هرگز ابا ندارند از این که بنده خدا باشند و هر کسی از پرستش او ابا داشته باشد و کبر بورزد به زودی همگی آنان را نزد خویش گرد می‌آورد» (قرآن، ۱۷۲/۲). اما روند اقدامات بنی اسرائیل کم‌کم به صورت‌هایی زشت خودنمایی می‌کرد. به طوری که در کتاب یوحنا آمده است «درمجلس عروسی که مریم و عیسی دعوت شده بودند چون

شراب به اتمام رسید با درخواست مریم (ع) از عیسی (ع) برای تأمین شراب مهمانان با معجزه ایشان آب به شراب گوارا تبدیل شد» (یوحنا، باب ۱، ص ۲۷۳). اگر دقت گردد کم‌کم نوع تحریفات به شکلی زننده و توأم با فساد برای دو شخصیت برتر زمان یعنی عیسی (ع) و مریم مقدس خودنمایی می‌کند. این توطئه مردم و بزرگان مخالف، به حواریون و پیروان عیسی (ع) نیز کشیده شده به طوری که قرآن می‌فرماید «اذا ارسلنا الیهم الثنین فکذبوا هما فعزّنا بثالث فقالوا انا الیکم مرسلون» یعنی: «آنگاه که به نزد آنان دو تن را فرستادیم و آنان را دروغگو شمردند سپس جانب آنان را با... سومین فرد استوار داشتیم آنگاه... گفتند ما به سوی شما ... فرستاده شده‌ایم» (قرآن، ۱۴/۳۶). نظر قرآن درخصوص حواریون و راهبان پیرو عیسی (ع) اگر واقعاً مسیحی حقیقی باشند به این شکل مطرح شده است: «فلما احسّ عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله ءامنّا بالله و اشهد بانّا مسلمون» یعنی: «سپس، هنگامی که عیسی به کفر آنان پی برد گفت یاوران من در راه خداوند کیستند؟ حواریون گفتند ما یاران الهی هستیم به خداوند ایمان آورده‌ایم و گواه باش که ما فرمانبرداریم» (قرآن، ۵۲/۳). ولی علی‌رغم فرمانبرداری ظاهری به عیسی (ع) گفتند: «اذا قال الحواریون بعیسی ابن مریم هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین» یعنی: «... و چنین بود که حواریون گفتند ای عیسی بن مریم آیا پروردگارت می‌تواند برای ما مائده‌ای از آسمان نازل کند؟ گفت اگر مؤمنید از خدا پروا کنید» (قرآن، ۱۱۲/۵). و «قالوا نرید ان ناکل منها و تطمئنّ قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا و نکون علیها من الشهدین» یعنی: «گفتند می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان آرام بگیرد و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و خود از گواهان آن

عبادت و لیستکبر فسیخنر هم الله جمیعا» یعنی: «هرگز مسیح و فرشتگان مقرب از بنده خدا بودن روی گردان نیستند و هر کس از بندگی روی گردان شود و ادعای برتری کند پس خدا به زودی همه را بسوی خود محشور سازد» (قرآن، ۱۷۲/۴). مسلماً زنجیره‌ای طولانی از اقدامات مخالفان عیسی (ع) که قبل از وی بر پیامبران پیشین و در زمان مریم (ع) در حق آن زن پاکدامن و سرانجام در دوره عیسی (ع) بر علیه پیامبر برگزیده خدا صورت گرفت به اشکال مختلف خودنمایی کرد:

۱. پسر خواندن عیسی (ع) برای خدا.
۲. خدا خواندن عیسی (ع) برای مردم.
۳. خدا خواندن مریم (ع).
۴. محاجه در حق ابراهیم (ع).
۵. شک و شبهه در وجود عیسی (ع).
۶. فشار در حرام کردن و یا حلال کردن دستوراتی که می‌بایست به همان شکل مذهبی‌اش مورد توجه قرار می‌گرفت.
۷. البته بعدها به تغییر شأن و منزلت مسیحیت و یهودیان مبادرت نموده خود را پسران خدا اعلام کردند، اما در کنار تمام این ادعاهای بی‌اساس آیات الهی قرآن به روشنگری پرداخته جای هیچ سوالی را باقی نگذاشته است. قرآن کریم در این بار آورده است «یا ایُّها الذین ءامنوا کلوا من طیبّت ما رزقنکم و اشکروا لله ان کنتم ایاءاً تعبدون» یعنی: «مسیح و فرشتگان مقرب هرگز ابا ندارند از این که بنده خدا باشند و هر کسی از پرستش او ابا داشته باشد و کبر بورزد به زودی همگی آنان را نزد خویش گرد می‌آورد» (قرآن، ۱۷۲/۲). اما روند اقدامات بنی اسرائیل کم‌کم به صورت‌هایی زشت خودنمایی می‌کرد. به طوری که در کتاب یوحنا آمده است «درمجلس عروسی که مریم و عیسی دعوت شده بودند چون

(ع) قرار دارد، آیا نمی‌توان این موضوعات و اقدامات را به عنوان مصایب حقیقی روحی و شخصیتی برای وی قلمداد نمود تا به جای شکنجه و زخم و سرانجام مرگ، اگر واقعاً صحت داشته باشد؟ علی‌رغم آن که از سوی اکثر روحانیان مسیحی شاید دین اسلام رقیبی، مذهبی، سیاسی و تاریخی برای دین مسیحیت باشد، اما قرآن به طور بسیار گسترده به توضیح شخصیت و دفاع از چهره عیسی (ع) پرداخته و بهتر از پیروان ظاهری مسیحیت، مسیحیت را به جامعه انسانی شناسانده است. در آخرین سال‌های حضور عیسی (ع) در میان مردم، بهانه‌ها و توطئه‌ها به شدت افزایش یافت و شداید و مصایب وی باعث شد که مجدداً حوادثی به وقوع بپیوندد که این حوادث به شکلی اتفاق افتاد که ما قبل از ارائه دیدگاه قرآن به طرح دیدگاه مسیحیت در این خصوص به طور بسیار خلاصه توجه می‌کنیم. «عیسی ادعای فرزندی خدا را کرد و به همین خاطر محاکمه و مقصر و اعدام شد»^{۲۱} (لوقا، باب ۲۳، ص ۲۵۹). همچنین بعد از جواب دندان‌شکن عیسی، گروهی از روحانیان بلند مرتبه او را محاکمه و تنها مسئله محکومیت او در جواب کاهن اعظم که پرسید آیا تو «مسیح فرزند خدای متبارک هستی؟ عیسی گفت هستم و به همین خاطر با زجر و شکنجه محکوم به مرگ شد» (مرقس، باب ۱۴، صص ۱۵۹، ۱۵۶). اگر دقت گردد در قسمت‌های قبلی مردم زمان عیسی (ع) چه مسیحیان و چه یهودیان خوشحال بوده و معتقد بودند که عیسی پسر خدا است و او را به الوهیتی زیاد، پرستش ظاهری می‌کردند، اما بعد از گذشت مدتی، همگان متفق شدند و چون دستورات عیسی (ع) را که به تصریح متون^{۲۲} مقدس آمده است که «گمان مبرید

باشیم» (قرآن، ۱۱۳/۵). و «همچنین از پی ایشان پیامبرانمان را آوردیم و عیسی بن مریم را از پی آوردیم و به او انجیل دادیم و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی را به صورت بدعتی در پیش گرفتند که ما آن را بر انسان واجب نکرده بودیم مگر آن که در طلب خشنودی الهی آن را در پیش گرفته بودند ولی چنان که شایسته رعایت بود رعایتش نکردند آنگاه به مؤمنان آنان پاداششان را بخشیدیم و بسیاری از آنان نافرمانند» (قرآن، ۵۷ توضیح آیه ۷). «ان الذین ءامنوا و الذین هادوا و النصری و الصبئین من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صلحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» یعنی: «مؤمنان و یهودیان و مسیحیان و صابئین، هر کسی که به خداوند و روز بازپسین ایمان آورده و نیکوکاری کرده باشد پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه بیمی بر آنها است و نه اندوهگین می‌شوند» (قرآن، ۶۲/۲).

در جمع بندی مطالب فوق می‌توان به این نکات دقت نمود:

۱. اتهام فساد به عیسی (ع) و مادرش.
۲. خود بزرگ‌بینی و اختلافات یهود و پاره‌ای از مسیحیان که خود را پسران خدا می‌دانستند.
۳. علی‌رغم اعلام فرمانبرداری به وسیله گروهی که خود را حواری اعلام کردند، اما باز راه نافرمانی پیشه نمودند.
۴. درخواست‌های غیرمنطقی که به ظاهر برای تسلی خاطر از عیسی (ع) (معجزات مکرر) داشتند.

مصایب عیسی (ع)

در کنار این مسائل با وجود مطالبی که در کتب و نوشته‌های مسیحیت که تحت عنوان مصایب عیسی

21. Crucification.

22. The Bidle.

بودند و بر زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند چرا که سرکشی کردند و از حد درگذشتند» (قرآن، ۷۸/۵) همان طوری که داستان تولد و زندگانی و حتی معجزات متعدد عیسی (ع) دوره ای پر فراز و نشیب بود و برای گروهی از مردم و حتی پیروان ایشان تیره و تار، که به وی چهره ای الهی انسانی بخشیده، اما انسانیتی که جنبه خدایی او طبق تصورات یهود و مسیح بیش از جنبه انسانی وی است.

مرگ عیسی (ع)

مرگ این پیامبر خدا نیز آمیخته به روایات و قضاوت‌ها و تناقض‌های مختلف است. در روزهای آخر زندگی عیسی (ع) به تعبیر مسیحیت، روزهای آخر زندگی قبل از عروج ایشان (از دید مسلمانان و به سوی خدا) ایشان اعلام کرد « که مرا در اورشلیم خواهند گرفت و علمای مذهبی و کاهنان تحویل حاکمی رومی داده آنها مسخره‌ام خواهند کرد و سپس به صلیب خواهند کشید، اما بعد از سه روز زنده خواهم شد» (متی، باب ۲۰، صص ۶۵ و ۶۶). در باب دیگری از متی آمده که پیلاتوس بعد از دستگیری عیسی از بزرگان خواست یا عیسی و یا باراباس را آزاد کند، اما با فشار و درخواست کاهنان عیسی (ع) اعدام شد و بر بالای سر او نوشته شد (این است عیسی پادشاه یهود) (متی، باب ۲۷، صص ۷-۹۶). در باب ۲۶ نیز حادثه شام آخر آمده است که وقتی عیسی (ع) با حواریون شام می‌خورد «تکه نانی را برداشت و بعد از شکر خدا و تقسیم نان، جام را نوشید و اعلام کرد که این نان بدن من و این آخرین محصول انگور که نوشیدم خون من است» (متی، باب ۲۶، صص ۲۶-۲۷). اگر این نوشته‌ها در مقابل هر خواننده که نه حتی به دین مسیحیت و یهود و نه به دین اسلام

آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته سایر انبیاء را منسوخ کنم بلکه می‌خواهم آنرا تکمیل کنم با او مخالفت کردند» (متی، باب ۵، صص ۱۲). راستی چرا اجازه تکمیل تورات و همچنین توسعه دین موسی (ع) به وی داده نشد، در متی، باب ۱۶ آمده است: «عیسی از یاران در مورد شخصیت خود سؤال نمود در جواب او شمعون پطرس می‌گوید «مسیح فرزند خدای زنده است.» (متی، باب ۱۶، صص ۵۲). آیا عیسی معتقد به فرزند خدای برای خود بود یا تصورات اشتباه ذهنی یاران نافرمان او، که در مرقس آمده است. «انجیل عیسی مسیح فرزند خدا این چنین آغاز می‌شود» (مرقس، باب ۱، صص ۱-۲). و همچنین در مکاشفه آخرین قسمت از ترجمه کتاب عهد جدید در آخرین خطوط خود این چنین نوشته‌ای را آورده است: «آمین ای عیسیای خداوند بیا، فیض خداوند ما عیسی مسیح بر همه شما باد. آمین» (مکاشفه، باب ۲۲، صص ۸۰۱). عیسی (ع) با یارانی همراه است که قطعاً می‌بایست به اذیت و آزار او پرداخته باشند. «یا ایها الذین ءامنوا کونوا انصار الله کما قال عیسی ابن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله فامنت طائفه من بنی اسرائیل و کفرت طائفه فایئدنا الذین ءامنوا علی عدوهم فاصبحوا ظهیرین» یعنی: «ای مؤمنان یاوران (دین) خدا باشید. چنانچه عیسی بن مریم به حواریون گفت چه کسانی در راه دین خدا یاوران منند. حواریون گفتند ما یاوران دین خداوندیم پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند آن‌گاه مومنان را در برابر دشمنانتان یاری دادیم و پیروز گردیدند» (قرآن، ۱۴/۶۱). «لَعْنَةُ الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داوود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون» یعنی: «این گروه از پیروان و رهبران دینی زمان عیسی (ع) از دید قرآن کسانی از بنی اسرائیل که کفر ورزیده

منزلت عیسی (ع) داده شد، ملاحظه می‌شود که علی‌رغم حیات تاریخی و دینی قوم بنی‌اسرائیل که به نص روشن متون عهد قدیم و جدید خودشان که آمیخته با تحریف بوده‌است، در زندگی دینی خود برای بسیاری از پیامبران سختی‌های تحمل‌ناپذیری به وجود آوردند. عیسی (ع) به عنوان شخصیتی که پیامبر خدا و موجودی انسانی بود و برحسب معجزه الهی مبعوث شده بود و به راهنمایی و ارشاد مردم موظف گردیده نیز از این مشکلات به دور نبود. قرآن برای جلوگیری از توسعه کج‌فهمی و انگارهای بد و تاریکی که در مورد شخصیت ایشان و حتی مریم (ع) به وجود آمده بود، بعد از شش قرن واقعیت‌های زیادی را از وجود مقدس این مادر و پسر بیان داشته‌است. عیسی (ع) چه در دوران کودکی، بلوغ و رسالت‌اش از سوی خدا حفظ گردیده تا از دشمنی بدخواهان نسبت به وی جلوگیری شود؛ و خواننده متون مقدس به تحریف‌ها، تهمت‌ها و تردیدهای قوم بنی‌اسرائیل در مورد عیسی بن مریم پی برده و به تاریخ‌سازی‌هایی که سرآغاز و سرانجام دقیقی را دنبال نمی‌کنند و قوف خواهد یافت. تحریف حقایق، دشمنی‌های واضح و روشن، عدم توجه به دستورات الهی - بی‌توجهی به قوانین پذیرفته شده مذهبی و تغییر روند حوادث تاریخی موجب تاریکی و ابهام در روند حقایق مربوط به دین مسیحیت شده که سرانجام با ظهور دین مبین اسلام علی‌رغم انکار نبوت پیامبر اسلام از سوی یهود و مسیحیت، از سوی خدا با قرآن به روشن‌ترین وجه، داستان زندگانی عیسی مسیح (ع) را بیان کرده‌است. و لازم به ذکر است در صورتی که پژوهش‌های دقیقی صورت گیرد قطعاً می‌تواند به کشف حقایق عمده درباره این پیامبر عظیم شأن منجر گردد و مقصود خداوند را از بعثت آن پیامبر برای جامعه انسانی بیان

معتقد نباشد گذاشته شود، از ساختگی و توهین‌آمیز بودن آن نسبت به شخصیت بزرگی همچون عیسی (ع) حکایت می‌کند، تعجب خواهد کرد. این سؤال که اگر عیسی (ع) خدا یا فرزند خدا باشد، چه نیاز به خوردن نان و شراب و درخواست ملتسمانه از یارانی زمینی دارد و اگر عیسی (ع) فردی انسانی، اما پیامبر خدا باشد (که هست) وظیفه جلوگیری از گناه و ترویج احکام تورات را دارد و تورات بر منع شرب خمر تأکید دارد. قرآن کریم در پایان دوره تاریخی عیسی (ع) (زندگی جهانی) در مورد او سخنان روشنگری دارد و آمده‌است «و قولهم انا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه و لكن شبه لهم و ان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن و ما قتلوه يقينا» یعنی: «... و ادعایشان که مسیح، عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشته‌ایم و حال آن که نه او را کشتند و نه بر دار کردند بلکه بر آنها مشتبه شد و کسانی که در این امر اختلاف کردند از آن در شک هستند و به آن علم ندارند و فقط پیروی از حدس و گمان می‌کنند و او را نکشتند» (قرآن، ۱۵۷/۴). «بل رفعه الله الیه و كان الله عزیزاً حکیماً» یعنی: «بلکه خداوند او را به سوی خویش برکشید و خدا پیروزمند فرزانه است» (قرآن، ۱۵۸/۴) «و ان من اهل الکتب الا لیومنن به قبل موته و یوم القیمه یكون علیهم شهیداً» یعنی: «... و هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر آن که پیش از مرگش به او ایمان آورد و روز قیامت او بر ایشان گواه است» (قرآن، ۱۵۹/۴). آیا از این نوشته‌ها سلیس‌تر و روشن و گواه‌تر می‌توان در مورد شخصیت عیسی (ع) پیامبر خدا مطلبی یافت.

نتیجه

با توجه به توضیحات مختصری که در باره مقام و

و پیامبری عیسی (ع) از تولد، بلوغ، معجزات، ابلاغ رسالت و سرانجام زندگانی این پیامبر تحت الشعاع رفتار یهود و مسیحیت متأثر از آن شده است .

کند. زیرا دین مسیحیت در مسیر تاریخی خود از توسل به هر نوع روش که برگرفته شده از دیدگاه سستی قوم بنی اسرائیل بود برای کشف حقایق واضح خودداری نموده و متأسفانه داستان زندگانی مریم (ع)

منابع

انجیل، ترجمه ۱۹۹۹، موسسه Vom؛

کتاب لوقا، باب ۱، صص ۲۲-۲۳؛

کتاب متی، باب ۱، ۳-۵-۱۶-۲۰-۲۴-۲۶-۲۷؛

کتاب مرقس، باب ۱؛

کتاب مکاشفه، باب ۲۲؛

کتاب یوحنا، باب ۱؛

تورات کتاب مقدس، ترجمه تفسیری عهد عتیق و جدید :

کتاب اعداد، باب ۲۵؛

کتاب خروج، باب قسمت شروع (مقدمه) ؛

کتاب حقیق، باب ۶؛

کتاب صفینا، باب ۳؛

کتاب عاموس، باب ۶؛

کتاب میکاه، باب ۷؛

خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۸۱، قرآن کریم (ترجمه - توضیحات)، تهران؛

سوره ها و آیات قرآن کریم استفاده شده؛

آل عمران: ۳/ ۳۵- ۳۶/۳- ۳۷/۳- ۳۹/۳- ۴۰/۳- ۴۱/۳- ۴۲/۳- ۴۳/۳-

۴۴/۳- ۴۵/۳- ۴۷/۳- ۴۹/۳- ۵۰/۳- ۵۱/۳- ۵۲/۳؛

اعداد: ۳۸/۱۳- ۴۸/۳؛

انبیا: ۲۱/۹۱؛

بقره: ۲/ ۴- ۹۱/۲- ۹۸/۲- ۱۶۰/۲- ۱۶۱/۲- ۱۳۳/۲- ۹۷/۲- ۱۷۲/۲- ۶۲/۲-

۸۷/۲- ۶۱/۲- ۱۶۱/۲؛

تحریم: ۶۶/۱۲؛

صف: ۶۱/ ۱۴؛

مائده: ۵/ ۱۱۰- ۱۷/۵- ۷۵/۵- ۷۲/۵- ۱۱۳/۵- ۱۷۲/۵؛

مریم: ۱۶/۱۹- ۱۷/۱۹- ۱۸/۱۹- ۱۹/۱۹- ۲۰/۱۹- ۲۱/۱۹- ۲۲/۱۹- ۲۳/۱۹-

۲۴/۱۹- ۲۵/۱۹- ۲۶/۱۹- ۲۷/۱۹- ۲۸/۱۹- ۲۹/۱۹- ۳۰/۱۹- ۳۱/۱۹- ۳۲/۱۹-

۳۴/۱۹- ۳۵/۱۹- ۱۱۲/۵؛

نساء: ۴/ ۱۵۶- ۴/ ۱۶۰- ۴/ ۱۸- ۴/ ۱۵۸- ۴/ ۱۵۷- ۴/ ۱۵۹؛

یس: ۳۶/ ۱۴ •